

شبکه محبت، تلویزیون خانوادگی شما
 مشاهده برنامه های این شبکه از طریق اینترنت
<http://www.Mohabat.tv>
 Email: info@Mohabat.tv

همچنین عزیزان شما نیز در داخل ایران
 و اروپا میتوانند این برنامه ها را از طریق
 ماهواره مشاهده فرمایند.
 مشخصات ماهواره شبکه محبت:

Hotbird 8 Channel: k14
Frequency: 11470 Vertical
Symbol Rate: 27500 Fec: 5/6

جادوگری
عملی غیر الهی

گفتگو با مردگان
 در واقع گفتگو با
 اهریمن است یا به
 عبارتی "فرشتگان"
 سقوط کرده.

استفاده از ورد جادویی ممنوع است.
 ادامه در صفحه ۲...

بیرون انداختن سبزه عید
در سیزده بدر

...گره ها را با گره
 زدن باز نمیکنند.
 آیا نجسی زندگی ما
 با بیرون انداختن سبزه
 از بین میرود؟
 ادامه در صفحه ۴...

موفقیت در زندگی زناشویی

دو نفری که در فکر ازدواج هستند چگونه میتوانند
 خود را آماده سازند تا بتوانند زندگی زناشویی
 سعادت مندی داشته باشند؟
 ادامه در صفحه ۸...

Hamlet's Production
 Professional Photo Services
 318.468.1914

آقای رسول حیدری، از
 اینکه با رهنمودهایتان،
 خداوند را به من معرفی
 کرده و باعث نزدیکی
 خداوند با قلب و جان
 من شده اید، از شما
 سپاسگزارم. سایه ابروی



تو همون دونه گندم زیر خاک این زمینی
 مُردی و دادی حیاتم، تو نجات آخرینی
 پیکر قدست محال که پیوسه توی آن قبر
 آسمون منتظر توست، شده بقرار از این صبر
 زیر خاک جایی نداری، ای که اهل آسمونی
 تو همان یگانه فرزند خالقم هستی ربونی
 لحظه ای تر کم نکردی چو شکسته دیدی بالم
 تازی از مو تو نمیدم به همه اموال عالم
 چون میخوام با تو بمونم، ترسی از فردا ندارم
 وقتی تو هستی شبانم، لرزی از سرما ندارم

یهوه خدایت لعنت را به جهت تو، به برکت تبدیل نمود، چونکه یهوه خدایت تو را دوست می داشت. تثیه ۲۳: ۵

سال سوم شماره ۳۰ آوریل ۲۰۰۸

ما به نام تبدیل

بزرگترین اتفاق زندگیم

پیش از این در ایمان، بزرگترین شهادتهای زندگیم، شهادت اعمال شکفت و بی نظیر خدا در زندگی برادران و خواهرانم بود تا اینکه امسال خداوند دست به اعمال بی نظیری در زندگیم زد. چنانکه امروز این رشته اتفاقات تبدیل به شهادتی بی نظیر در زندگیم گشته اند که همچنان و کماکان ادامه دارند.

امسال به مراسم عقد کلیسایی دوستانی رفتم، در این مراسم گروه گر چهار نفره ای که از خانمها تشکیل شده بود، چند سرود روحانی خواندند. در بازگشت از کلیسا اتفاق عجیبی برایم رخ داد! تا دو روز در فواصل کوتاه پنج دقیقه ای تصویری یکی از خانمهای گروه گر را میدیدم. هر چه فکر کردم نفهمیدم معنای این رخداد چیست و کم کم نگران شدم که شاید خدا میخواهد مرا از خطری که آن خانم را (مثلا سلامتی او) تهدید میکند مطلع سازد. اما این برایم روشن بود که فارغ از معنای این پیغام، آنچه برایم رخ داده بود پیغامی از سوی خدا بود. پس از گذشت دو ماه وقتی به ازدواج و نقش هدایت خدا در این مورد فکر میکردم، به ذهنم رسید که نکند آنچه در ماه قبل برایم رخ داده بود، پیغامی از سوی خدا در ارتباط با ازدواج من و آن خانم بوده باشد. پس با هماهنگی کشیش و زیر نظر وی شروع به گفتگو در این ارتباط با هم کردیم. پیش از این شنیده بودم که صحت یک پیغام با تایید آن به شکل چند پیغام هم شکل پس از آن روشن میشود. عجیب بود به محض آغاز گفتگوهایمان، سه پیغام متوالی در این ارتباط از عزیزانی دریافت کردم که هیچکدام از این مطلب مطلع نبودند! در ماههای بعدی خدا به صحبت با من از طریق دیگران ادامه داد و حتی مرا از هر نگرانی و بار در این مورد بر حذر میداشت. خوشبختانه در گفتگوها و آشنایی ما به خوبی و وضوح روشن شد که تاجه اندازه قابلیت یک ازدواج پر برکت و تفاهم عشق بین ما وجود دارد. اکنون که در حال بیان این شهادت برای شما هستم، چند هفته از مراسم مقدس نامزدی ما میگذرد، اما لحظه ای دست و هدایت خدادار این مورد از ما برداشته نشده است و پیغامها به ویژه در مورد عدم نگرانی از آینده ادامه دارند. اما در پایان بشنوید از پیغامی که با اندکی تأخیر به گوشم رسید و باز به عمق شگفتی من افزود: خانمی خواب دیده بود که به او گفته میشود: نامزدم با من ازدواج خواهد کرد. اضافه میکنم که آن خانم بسیار اهل دعا و عاشق عیسای مسیح است. نامزدم وقتی پیغام را میشنود، چون کسی به این نام پیرامون خود نداشته، پیغام را جدی نمیگیرد. نویسنده: ش.ا

تو را حمد می گوئیم! ای خدا
 تو را حمد می گوئیم! زیرا نام
 تو نزدیک است و مردم کارهای
 عجیب تو را ذکر میکنند...
 خدا، داور است.
 این را به زیر می اندازد و
 آن را سرافراز می نماید.

FarsiPraise.com
 بزرگترین مرکز موسیقی مسیحیان فارسی زبان

هر چهارشنبه و پنجشنبه در
 تلویزیون محبت
 آدرس اینترنتی:
www.SimaMasih.com www.Mohabat.tv

کلیسای ایرانیان
راه عیسا مسیح

برنامه نیایش و تدریس کتاب مقدس
 چهارشنبه ها ساعت ۷ بعد از ظهر
 و یکشنبه ها ساعت ۱۲ ظهر
 کلیسای باپتیست دوم، هوستون، تگزاس



Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

انتقاد از وضع حقوق بشر در تاجیکستان



وزارت خارجه آمریکا در گزارش سالانه خود از وضع حقوق بشر در جهان، وضع رعایت حقوق بشر در تاجیکستان را وخیم ارزیابی کرده و از موارد گسترده نقض حقوق انسان شدیداً انتقاد کرده است. در این گزارش از جمله آمده است که تمرکز قدرت در دست گروهی کوچک از طرفداران پرزیدنت رحمان و فساد گسترده در ساختارهای دولتی مانع اصلی اصلاحات دموکراتیک در این کشور شده است. موارد زیاد شکنجه، محدودیت آزادی بیان و آزادیهای مذهبی، بازداشت و مجازات مخالفان و منتقدان دولت، آزار و اذیت نمایندگان جامعه مدنی از مشکلات اصلی در زمینه رعایت حقوق انسان در تاجیکستان است. ولی در این گزارش همچنین از اعمال محدودیت در فعالیت سازمانهای بین المللی، مشکلات دریافت ویزا، موارد گسترده خشونت و تبعیض علیه زنان، قاچاق انسان و بهره گیری از کار کودکان در تاجیکستان انتقاد شده است.

جادوگری



در کنار بُعد مافوق طبیعی ظلمت، بُعد مافوق طبیعی نیکو وجود دارد، که توسط ملکوت آسمان جانبداری می شود (از طرف خدا، کرویین او و لشکر فرشتگان). اما این بُعد مافوق طبیعی نیکو به

ندرت در کار توها یا در ادبیات عامه پسند مدرن دیده می شود. در کار توهای شنبه صبح که از تلویزیون پخش میشود، چقدر فرشتگان را میبینیم؟ پری هایی که در فیلم "سرور حلقه" (Lord of the Ring) از نوع فرشتگان هستند، حتی سائرسها (Saurons) سوارکارهای سیاه، که بدنبال فرود آمدن بودند از آنها ترسیدند.

والدین مسئولیت دارند تا آزمایش کنند، که کودکانشان چه چیزهایی را نگاه میکنند. تحقیقات نشان داده اند، که کودکان و بزرگسالانی که دائماً صحنه های تجاوزات را روی صفحه تلویزیون نگاه میکنند، در این رابطه حساسیت خود را از دست میدهند. دقیقاً همانگونه است مشغولیت شدید داشتن با سحرگرایی. عیسی میفرماید: از لغزشها گریزی نیست، اما وای بر کسی که آنها را سبب گردد. او را بهتر آن می بود که سنگ آسیابی به گردش بیاورند و به دریا افکنند تا اینکه سبب لغزش یکی از این کوچکان شود. (لوقا ۱۷: ۲-۱).

خوب حالا چه میتوان در باره مسیحیانی که سحرگرایی آنان را سرگرم میکنند، گفت؟ میتوان اینرا با شخصی مقایسه کرد که اگر چه از نظر روانی زنا نمیکند، اما با مجله و یا کتابهای سکسی سوپر خود را سرگرم میکند. مامسیحی که "بادیدن اعمال سکسی احساسی خاص پیدا می کنند" نداریم. آنچه برای کودکان گناه است برای بزرگسالان نیز گناه است. مسیح نه "کتابفروشی برای بزرگسالان" و نه "نگاه کردن بزرگسالان به اعمال سکسی" را

با خوشحالی حمایت مالی شما را از ماهنامه تبديل پذيراييم.



عزیزان، خداوند را حقیقتاً شکر میکنم برای وجود همه شما. آرزو مندم که روزگار خوبی را پشت سر میگذرانید. شاید بعضی از شما دوستان بگوئید: چه حالی؟ چه احوالی؟ آنقدر گرفتاری و ناراحتی دارم که حالی برایم نمانده! به هر دری که زده ام، نتیجه ای نگرفته ام؟ آیا راهی برای این همه مشکلات من وجود دارد؟ آیا خدا میتواند مرا از بیماریم شفا دهد؟ خوب است نگاهی به کلام خدا بیاندازیم. در زمورا ۹ نویسنده میگوید: ...هیچ بیماری، هیچ ترسی، خطری بر تو نخواهد آمد، دشمنانت بر تو غلبه نخواهند یافت، ...چونکه مرا خوانید، شما را اجابت خواهم کرد. من در تنگی با شما بوده، نجاتتان داده، معزز خواهم نمود. دوستان، این وعده های خدایی است که فکرای عالی برای ما دارد. کافیت که به او اعتماد کنیم و این وعده ها را همبطور که هستند برای زندگی شخصی خود بپذیرید. بلی، خدایی که در مسیح خود را به ما آشکار کرد، امین و وفادار است تا برکات عالی و زنده خود را در تنگیها، در زندگی ما جاری سازد. این اطمینان توسط شخصی به ما داده شده است که مُرد و روز سوم از قبر برخاست، شخصی که در کلامش وعده داد که من تا انقضای عالم با شما هستم و اگر به نام من دعا کنید خواهید یافت، یعنی عیسی مسیح. از او بخواهید. لس آنجلس آپریل ۲۰۰۸، النان باغستانی

ماهانامه تبديل

The Change

مدیر مسئول: النان باغستانی

ویراستار: ع. راد

ناشر: سازمان خدماتی ایران برای مسیح
Tabdil@IRANforCHRIST.com
www.IRANforChrist.com

TEL: 818. 522. 1525

Iran for Christ Ministries

P. O. Box 371043 Reseda
CA, 91337 USA

این ماهنامه حق دارد که مقالات و آگهی ها را چاپ کرده و یا رد کند.
We have the right to refuse publishing.

محترم میدارد. کسی که با ظلمت سروکار دارد، این چیزها را میپذیرد. سَم همیشه سَم باقی میماند. کمی سَم برای تنش زدائی میتواند همانگونه مرگبار باشد که گرفتن مقدار بسیار زیادی سَم، از دست یک قاتل. نشستی با ارواح برای استراحت و تنش زدائی وجود ندارد. برای همه کسانی که، خود را در اختیار رفتاری گناه آلود در قسمتهای سحرگرایی یا سکس و نگاه کردن به اعمال سکسی میگذارند، تنها یک راه برای پاک کردن خود دارد: و آن هم خون فدیہ کننده عیسی است. چه مسیحی و چه غیر مسیحی باید از گناه خود بازگشت کرده و از خدا طلب بخشش کند. غیر مسیحی باید توسط دعایی ساده حکومت زندگی خود را به عیسی بدهد. عیسی، من قربانی تورا روی صلیب برای خود میگیرم. گناهان مرا ببخش تقاضا میکنم که به زندگی من آمده و هدایت مرا بدست گیری. کمک کن که در نور تو قدم بردارم.

درسی از جادوگران و فال بینانی که، عیسی مسیح را در زندگی پذیرفته و در اعمال حقیقتاً نجات یافته اند، بگیرید. در اعمال رسولان ۱۹: ۱۹ آمده است: بسیاری نیز که پیش از آن جادوگری میکردند، کتابهای خود را آوردند و در برابر همگان سوزانند. چون بهای کتابها را حساب کردند، پنجاه هزار درهم بود. تمامی اشیاء سحرگری بایداوردشود، از آنجاییکه این اشیاء حامل یا به عبارتی "پنجره ای" برای فعالیتهای جادویی خواهند بود. اینها به معنای واقعی کلمه، مانند آهن ربایی میماند که نیروهای تاریکی و دیوها را بخود جذب میکنند. خدا، خدایی بد نیست. او کینه ای نیست، و با کتابمقدس او کتابی عملی برای سعادت ما داده است. اگر اصرار داریم که نوشابه در موتور خود به جای روغن بریزیم، موتور خود را خراب میکنیم. اگر ما هشدار خدا را در رابطه با جادوگری، رفتار ناشایست سکسی و سازشکاری، خشم، حسد و همچنان مواد مخدر و استفاده نادرست از دارو اطاعت نکنیم، بدن خود را نابود کرده و روان خود را برای همیشه در جهنم لعنت کرده ایم. شاید خدا ایمان ندارید، اما با وجود این یک نافرمانی از شریعت او شما را نابود میکند. جادوگری شاید برای شما بسیار جذاب و سودمند باشد. ممکن است برای شما موفقیت و قدرت بیاورد. با وجود این بلا و خطر است، همانگونه که مار برای آدم و حوادر باغ عدن بود. کسی که خود را بطور وسیعی در چیزهای سحرگرایی سهیم کرده است و تا به جاییکه جادوگری مطلق میکرد است، می بایست خود را به کشیش کلیسایی که پراز روح است و مرکبیت خود را روی مسیح گذاشته است، معرفی کرده تا با روان درمانی، خدمات آزاد سازی بر او صورت بگیرد. فراموش نکنید که شما روی تمامی سرور اجنه ها و دیوها به نام عیسی مسیح قدرت دارید، پس از این که عیسی را بعنوان نجات دهنده در زندگی خود بپذیرید و خود را با خون او بپوشانید. (سرورما، حتی دیوها هم به نام تو از ما اطاعت میکنند لوقا ۱۰: ۱۷).

در دهه ۵۰ درصد گذشته، جای خدا را علم و دانش گرفته بود. نتیجه آن گرسنگی روحی بود، که در فرهنگ مخالف در دهه های ۶۰ و ۷۰ به شکل اعتیاد به مواد مخدر، مذاهب شرق زمین و سازشکاریهای جنسی بروز کرد. و این به مادی گرایی و خود فرهنگی در دهه ۸۰ و ۹۰ کشیده شد. هیچکدام از این مذاهب جایگزین نمیتواند عمق گرسنگی روحی انسان را بر طرف کند. غیبت خدا فقط میتواند توسط حضور خدا جایگزین شود، و حتماً توسط تقلباتی مانند جادوگری نخواهد بود. جادوگری مانند رابطه نامشروع جنسی است: شاید هیجان و ارضاء برای مدت محدودی را بدهد. اما تنها یک رابطه شخصی با خدای کائنات توسط پسرش عیسی مسیح ارضای واقعی، شادی و حیات ابدی را میدهد. ■



پیوستن دو کلیسای دیگر به فهرست میراث جهانی یونسکو

دو کلیسای باستانی استان دورهام انگلستان که شاید میراث دار مهمترین آثار شیشه‌ای اروپا باشند در فهرست جدید میراث جهانی یونسکو قرار می‌گیرند.

کلیساهای سنت پیتر در ساندلند و سنت پاول در تنسی جنوبی، در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار می‌گیرند. مارک بریانت، اسقف اعظم کلیسای سنت پاول گفت: ارزش فرهنگی این کلیسا غیر قابل تخمین است و می‌تواند به عنوان موثرترین امکان دنیای غرب شمرده شوند. وی افزود: این مکان‌ها بزرگترین مجموعه نادر پنجره‌های شیشه‌ای قرن هفتم میلادی در اروپا هستند. این دو کلیسا در قرن هفتم و هشتم خانه "Bede" مقدس بوده که توسط یک اشراف‌زاده اهل "نورث آمبرلند" در قرن هفتم ساخته شد.



چنین نشد و در واقع پروانه ناچار شد همه عمر را روی زمین بخزد و هرگز نتوانست با بالهایش پرواز کند.



آن شخص مهربان نفهمید که محدودیت پيله و تقلا برای خارج شدن از سوراخ ریز آن را خدا برای پروانه قرار داده بود، تا به آن وسیله مایعی از بدنش ترشح شود و پس از خروج از پيله به او امکان پرواز دهد. گاهی اوقات در زندگی فقط نیاز به تقلا داریم، اگر خداوند مقرر می‌کرد که بدون هیچ مشکلی زندگی کنیم فلج می‌شدیم. به اندازه کافی قوی نمی‌شدیم و هرگز نمی‌توانستیم پرواز کنیم.

حکمت خدا

روزی سوراخی کوچک در یک پيله ظاهر شد. شخصی نشست و ساعتها تقلاي پروانه برای بیرون آمدن از سوراخ کوچک پيله را تماشا کرد. ناگهان

تقلاي پروانه متوقف شد و به نظر رسید که خسته شده و دیگر نمی‌تواند به تلاشش ادامه دهد. آن شخص مصمم شد به پروانه کمک کند و با برش قیچی سوراخ پيله را گشاد کرد. پروانه به راحتی از پيله اش خارج شد، اما چته اش ضعیف و بالهایش چروکیده بودند. آن شخص به تماشای پروانه ادامه داد. او انتظار داشت پر پروانه گشوده شود و از چته او محافظت کند، اما

مدیر مسئول کیهان و نویسنده ستون "گفت و شنود" مسلمانان می‌توانند در هر نقطه دنیا که صهیونیست‌ها را می‌بینند آنها را به قتل برسانند!...



به گزارشی به نقل از پارسینه، حسین شریعتمداری، هیچ اشاره‌ای به مشخصات "صهیونیست‌های واجب قتل در سراسر جهان و نه فقط در اسرائیل" نکرده است. این روزنامه در حالی رسماً خواستار قتل صهیونیستها توسط مسلمانان در همه جای دنیا شده است که پیش از این نیز برخی کشورهای غربی، مسلمانان را متهم به یهودی ستیزی می‌کنند.



تنها خداوند است که برای بیماری کشنده‌ای به نام ترس راه‌علاجی دارد. کتاب مقدس برای هر نوع ترسی که داریم پاسخ و درمان مناسبی دارد. **ترس از سوسک و عنکبوت: و خدا گفت: آدم را به صورت ما و موافق و شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند حکومت نماید.** (پیدایش ۱: ۲۶) **ترس از درماندگی:** این کتاب تورات از دهان تو دور نشود بلکه روز و شب در آن تفکر کن تا بر حسب هر آنچه در آن مکتوب است متوجه شده عمل نمایی، زیرا همچنین راه خود را فیروز خواهی ساخت، و همچنین کامیاب خواهی شد. (یوشع ۱: ۸)

رادیو مژده
پخش زنده ۲۴ ساعته برنامه‌های مسیحی در خدمت فارسی زبانان عزیز
www.radiomojdeh.com

Hotbird 8	ماهواره	هات برد ۸
Channel: K 14		کانال: ک ۱۴
Frequency: 11470		فرکانس: ۱۱۴۷۰
Vertical		عمودی
Symbol Rate: 27500		سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
FEC: 5/6		اف.ای.سی: ۵/۶

"The Fastest Growing Online Travel Service..."
Save Money and Time with
SafarTicket.com

Caribbean Vacations | Cruise Packages | Golf Packages

از عزیزانی که مایلند آگهی‌هایشان در این ماهنامه درج گردد، خواهشمند است با شماره تلفن: ۵۲۲-۲۵۱۵ (۸۱۸) تماس حاصل فرمایند. ۳ سطر آگهی برای یکماه فقط ۲۰ دلار

دانشمندان گروه‌ای از خلق سه گربه اصلاح شده ژنتیکی خبر دادند که در صورت قرار گرفتن در معرض نور ماوراء بنفش در تاریک می‌درخشند.

AfghanSearch.com
Your Search Ends Here...



Tel: 818.522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

نتایج گناه در زندگی بشر چه بوده و هست؟



انسان بعد از جدائی از خالق خود در تاریکی بسر می‌برد. و در حقیقت در مرگ روحانی (جدائی ابدی) بسر می‌برد. امروزه ما در دنیائی زندگی می‌کنیم که بدی و بدبختی تجربه روزانه است. روزانه آدم و حوای امروزی، بدی را تجربه می‌کنند و اثرات آن در زندگی خودشان و فرزندان‌شان غم، درد، تلخیها، یأس، ناامیدی، ترس، غرور، خودخواهیها، جدائیها، حسادت‌ها، دروغ‌ها، غیبت‌ها، فساد، تعصبات، قتل و آدمکشی‌ها و مرگ است.



بیرون انداختن سبزه عید در سیزده بدر

سالیان درازی است که نیاکان ما در روز سیزدهم فروردین به بیرون شهر رفته و سبزه عید را به رودخانه‌ای که آب روان داشته باشد می‌اندازند. اما براستی مفهوم واقعی این کار چیست؟ جواب ساده آن اینست که می‌خواهیم نحسی سال نو را در سیزدهمین روز اول سال از خانه‌هایمان بیرون کنیم و آنرا به نهر روان می‌اندازیم تا آب آنرا با خود برده و تا حد ممکن از ما دور سازد. حتی بعضی دخترها و پسرهای مجرد آنرا گره می‌زنند به این نیت که بخت به اصطلاح بسته آنها در مورد یافتن همسر مناسب باز شود. آیا براستی با انجام چنین اعمالی به چنان نیت‌های زیبایی که داریم میرسیم؟ صد البته که خیر!



البته ممکن است شخص همسر مناسبی در این سال پیدا کند ولی به وضوح و روشی میدانیم که هیچ ربطی به گره زدن سبزه ندارد. که اگر گره زدن سبزه درمان کار بود آمار دختران و پسران دم بختی که سالهاست همسری پیدا نکرده‌اند، اینقدر سرسام آور و فاجعه آمیز نبود.

طبیعت‌گره‌ها را با گره زدن باز نمی‌کنند باید راه دیگری جستجو کرد. هرچند که عمل فوق هیچ فایده عملی ندارد ولی گویای یک نیاز و اشتیاق درونی ما برای دور کردن نحسی‌ها می‌باشد. اما نحسی چیست؟ در فرهنگ عمیق کلمه نحس بدئیم - بدشگون - بد اقبال - نامبارکی و شوم تعریف شده. و این بلایی است که فکر بشر امروز را به خود مشغول کرده است. کلام خدا صراحتاً می‌گوید خدا کسی را بد اقبال بدئیم و باسرنوشتی شوم نیافریده است. انسان بعنوان اشرف مخلوقات قادر است عنان سرنوشت خود را بدست گیرد و آنرا از شرایط بد به شرایط خوب و متعالی تبدیل کند. اما چطور می‌توانیم این نحسی‌ها را از خود دور کنیم؟ عیسی مسیح فرمود: *من آمده‌ام تا لعنت اشتهای زندگی کردن و به خطا رفتن از مسیر صحیح موفق بودن و تخطی کردن از قانون طلایی زندگی مبارک شما را بردارم تا زندگی را بمفهوم واقعی کلمه دریافت کنید و آنرا بیشتر از آنچه قادرید تصورش را بکنید عملاً تجربه نمایند. و او آنرا حیات جاوید و زندگی مضاعف نامید.* یوحنا ۱۰:۱۰... کتاب مقدس برای رسید به این نوع زندگی پربرت که طرح اولیه خدا از خلقت انسان بود به ما توصیه میکند که **باید چند چیز مهم را از خود و خانواده و زندگی خود دور بیندازیم.** من بعنوان یک ایرانی مسیحی که دوستدار سنت‌های زیبای مملکت هستم خواهش می‌کنم بیائید امسال همراه سبزه‌های عیدمان آنچه مسیح میفرماید را به نهر روان روح القدس بیندازیم تا چنانکه مشرق از مغرب دور است آنرا از ما دور کند و بیائید بجای گره زدن سبزه عید، خارهای روئیده شده در روابط خانوادگی و اجتماعی‌مان را ریشه کن کنیم. مسیح فرمود: *آنچه در زمین ببندید بسته میشود و آنچه در زمین بگشایید گشاده خواهد شد.*... ادامه در صفحه ۵

ما پوستین ول کردیم، پوستین ما رو ول نمیکنه!



سیلابی از کوهستان جاری شده بود و از رودخانه می‌گذشت. مرد بی نواهی از آنجا عبور میکرد، چیزی در آب شناور دید و فکر کرد خیک یا پوستینی در آب شناور است. مرد لخت شد و خودش را به آب زد، به این امید که آنرا بگیرد و با فروشش چیزی برای خود بخرد. ولی آنچه سیلاب آورده بود نه پوستین بود و نه خیک روغن، بلکه یک خرس زنده بود که در سیلاب گرفتار شده بود.



خرس دست و پا می‌زد تا دستش را به چیزی بند کند. همین که مرد نزدیک شد و دستش را دراز کرد که پوستین را بگیرد، خرس برای نجاتش به او چسبید. مردم دیدند که مرد نیز همراه سیل پیش میرود فریاد زدند: اگر نمی‌توانی پوستین را بیاوری ولش کن و برگرد.

مرد جواب داد: بابا، من پوستین را ول کردم، پوستین مرا ول نمی‌کند.

این مثل هنگامی استفاده میشود که فردی به امید سودی در کاری دخالت کند و در آن گرفتار شود. و اگر کسی به او نصیحت کند که از خیر این کار بگذرد برای دفاع از خود این مثل را استفاده میکند.



ماهانامه تبدیل، در خدمت جامعه فارسی زبان

سخنرانی در جمع



در زمان معارفه دقت کافی داشته باشید و سعی کنید نامها را به خاطر سپرده و در طول مکالمه به کرات از آنها استفاده نمایید. با بیان یک عبارت متداول کاری کنید تا طرف مقابل به صحبت کردن ادامه دهد و در نهایت هم یک سؤال کلی از او پرسید. با توجه به حرف‌های او و نشان دادن واکنش‌های مثبت از طرف مقابل پشتیبانی کرده و تمام حواس خود را به وی معطوف کنید. در تمام طول گفتگو ارتباط چشمی را برقرار نگه دارید و هنگامیکه فرد در حال صحبت کردن با شماست سر خود را به این طرف و آن طرف نچرخانید و قسمتهای دیگر اتاق را نگاه نکنید. بیشتر از آنچه حرف می‌زنید، گوش کنید. چیز جالبی برای ارائه دادن در دست داشته باشید. سعی کنید دانش خود را همواره به روز نگاه دارید و از وقایع و اخبار جدید با اطلاع باشید. آگاهی از اخبار و وقایع فرهنگی میتواند به شما کمک کند تا راحت تر با طرف مقابل ارتباط برقرار کنید. می‌توانید سر صحبت را با جمله‌هایی به این شرح باز کنید: "نظر شما در مورد... چیست؟"، "و یا "شنیده‌اید...؟" از موضوعات منفی و بحث برانگیز پرهیز کنید، و وارد جزئیات مسائل شخصی نشوید.

کسی که شهامت قبول خطر نداشته باشد در زندگی به مقصود نخواهد رسید.
(محمد علی کلی)

کلیسای سفیران مسیح



از شما فارسی زبانان عزیز دعوت به عمل می‌آورد تا در جلسات عبادتی این کلیسا که هر یکشنبه ساعت ۳ بعد از ظهر برگزار میگردد حضور بهم رسانید.

21300 Califa St. (between De Soto & Canoga)

Woodland Hills, CA 91367

تلفن اطلاعات: ۱۵۲۵-۵۲۲ (۸۱۸)



سال سوم شماره ۳۰ آوریل ۲۰۰۸

P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

خواننده گرامی: آیا موضوعی در زندگی شما وجود دارد که احتیاج به دعای خصوص دارید؟ تیم دعای ما در ماهنامه تبدیل آماده خدمت به شما می باشد. از شما خواهشمندیم مطالب دعای خود را به ما ارسال کنید تا ما با شما متحد شویم.

تلفن: ۵۲۲-۱۵۲۵ (۸۱۸)
Email: Prayer@iranforchrist.com
آدرس پستی: P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA

آشنایی با شخصیتها و اسامی در کتاب مقدس

اول و آخر
اشیاء نبی از این عنوان برای نشان دادن حاکمیت ابدی یهوه بر کل تاریخ از آغاز تا انتها استفاده کرده است. عنوانی است که مسیح جلال یافته در مکاشفه به یوحنا رسول، برای خود استفاده کرد.

{اشیاء ۶:۴۴-} **خداوند پادشاه اسرائیل و یهوه صابوت که ولی ایشان است چنین میگوید:** من **اول و آخر** هستم و غیر از من خدایی نیست. {اشیاء ۱۲:۴۸-} **ای یعقوب وای دعوت شده من اسرائیل بشنو من او هستم من اول هستم و آخر هستم!** {اشیاء ۴:۴۱-} **کیست که این عمل نموده و بجا آورده و طبقات را از ابتدا دعوت نموده است؟ من که یهوه اول و آخرین میباشم من هستم.** {اشیاء ۱۰:۴۳-} **یهوه میگوید که شما و بنده من که او را برگزیده ام بشنود من می باشد تا دانسته، به من ایمان آورید و بفهمید که من او هستم و پیش از من خدایی مصور نشده و بعد از من هم نخواهد شد.** {اشیاء ۲۱:۴۵-} **پس اعلان نموده، ایشان را نزدیک آورید تا با یکدیگر مشورت نمایند.** **کیست که این را از ایتام قدیم اعلان نموده و از زمان سلف اخبار کرده است؟ آیا نه من که یهوه هستم و غیر از من خدایی دیگر نیست؟ خدای عادل و نجات دهنده و سوازی من نیست.** {اشیاء ۹:۴۶-} **چیزهای اول را از زمان قدیم به یاد آورید.** زیرا من قادر مطلق هستم و دیگری نیست. **خدا هستم و نظیر من نی.** {اشیاء ۱۰:۴۶-} **آخر را از ابتدا و آنچه را که واقع شده از قدیم بیان میکنم و میگویم که اراده من برقرار خواهد ماند و تمامی مسرت خویش را بجا خواهم آورد.** {مکاشفه ۱۱:۱-} **میگفت من الف و یا و اول و آخر هستم. آنچه مبینی در کتابی بنویس و آن را به هفت کلیسای که در آسیا هستند، یعنی به آفئس و اسمیرنا و پترغاس و طیاتیرا و ساردس و فیلاذلیه و لاونودیه بفرست.** {مکاشفه ۱۷:۱-} **چون او را دیدم، مثل مرده پیش پایش افتادم و دست راست خود را بر من نهاده، گفت:** **ترسان مباش!** من **هستم اول و آخر و زنده!** {مکاشفه ۲۲:۸ و ۲۲:۱۳}

برای تهیه کتاب مقدس به زبان فارسی با کلیسای سفیران مسیح تماس حاصل نمایید.
۱۵۲۵-۵۲۲ (۸۱۸)

ادامه از صفحه ۴...

واما آن چند چیز مهم که باید از خود بیرون کنیم چیست؟

موانع ارتباط نزدیک با خدا را از خود بیرون کنیم. موسی از من تعلیم بگیر یا بر من خفیف و سبک است. متی ۲۸:۱۱

در کنار بوته مشعل صدایی شنید که فرمود: **تعلین خود را بیرون انداز.** خروج ۵:۳ و این سمبلی بود برای تمام موانعی که بین خدا و موسی وجود داشت. مطمئناً بزرگترین مانع رابطه ما با خدا و در نتیجه بزرگترین مانع ما با زندگی موفق مبارک غنی مفید و دلپذیر است که به آرزوی آن سبزه هایمان را به نهر میاندازیم. اگر گناهان را اعتراف کرده از خود دور بیندازیم او امین و عادلست تا ما را در سال جدید از هر نحسی و شومی پاک سازد. میتوانیم امسال آنرا تجربه کنیم. او فرمود: **تمام تقصیرها را از خود دور کنید.** حزقیال ۳۱:۱۸

موانع تکرش سالم و مثبت نسبت به دیگران را از خود دور کنیم. مسیح در تعلیم رازهای خوشبختی فرمود: **چوب را از چشم خود بیرون کنید.** متی ۵:۷... **بله چوبهایی در چشمان ما است که نمیتوانیم بطور مثبت و سالم و دوست داشتنی دیگران را ببینیم.** شخصی به مسیح گفت: **مردمان را تیره و تار میکنیم.** مسیح گفت: **مشکل در مردم نیست چشمان تو احتیاج به شفا دارد.** وبعد از اینکه چشمانش را لمس کرد گفت: **حالا همه چیز را صحیح و سالم میکنیم.** اگر همه چیز تیره و تار است اگر همه بد و بی ارزش هستند اگر آینده را تیره میکنیم؟ اگر همه را ناریق و خیانتکار میکنیم؟ اگر همه روزها را تاریک و همه جاده ها را تاریک میکنیم؟ **باید امسال همراه سبزه عید، چوبهای داخل چشمانمان را به نهر روان روح القدس بیندازیم تا بتوانیم دنیای اطراف خود را بهتر و حتی قشنگتر ببینیم.**

موانع تازگی و احساس سر زنده بودن را از خود دور کنیم. کلام خدا میفرماید: **انسانیت کهنه را بیرون کنید.** افسسیان ۲:۴ انسانیت کهنه به شخصیتهای کهنه ما که در پیچ و خم تلخیها و ناامیلات و تمایلات نفسانی و جسمانی ما شکل گرفته و مثل جرم ته سماور کهنه و زمخت شده است اشاره میکند. برای ایجاد چیزهای تازه باید چیزهای کهنه را بیرون انداخت. کلام خدا میفرماید: **اگر کسی دارای هرگونه کهنگی هم که باشد تنها به مسیح ایمان بیاورد مسیح همه چیزهای کهنه را دور کرده و همه چیز زندگی اش را تازه میکند.** دوم قرنتیان ۵:۱۷

موانع حرکت کردن را از خود دور کنیم. هر بارگران و گناهی را که ما را سخت میبچاند از خود دور کنیم. عبرانیان ۱:۱۲ فرض کنید یک جعبه بایک صندوق سنگینی را بر روی دوش خود گرفته اید و تلاش میکنید بدوید. مطمئناً در همان چند قدم اول از نفس خواهید افتاد و این دقیقاً همان چیزیست که ما در زندگی روزانه خود انجام میدهم و دائماً نق میزنیم. عمر گذشت و ما هنوز آن در خم یک کوچه ایم. دوست عزیز؛ مسأله ای که حل نشود ناپود نمیشود شاید برای مدتی و بنابه شرایطی از فرمان دور کنیم ولی در ته قلب ما بعنوان صندوق خاطرات تلخ باقی میماند و این صندوق سال به سال حجیم تر و سنگینتر میگردد آنقدر که دیگر قادر نیستیم حتی یک قدم آهسته هم به جلو برداریم. آمار طلاقها قتلها - خود کشیها - افسردگیها همه نشان دهنده همین صندوق سنگین خاطرات تلخ ما است. ورزشکاران برای دویدن بطرف خط پیروزی در مسابقات دوندگی سعی میکنند سبکترین کفش و لباس را انتخاب کنند حتی آنها وزن خود را هم کم میکنند. چرا در مسابقه زندگی نه؟ **باید امسال همرا با سبزه عید بارهای سنگین شانه هایمان را از خودمان دور بیندازیم.** مسیح فرمود: **بیانید نزد من ای**

وقتی که گناه کرده اید، مزمور ۵۱ را بخوانید.
www.SimaMasih.com



ژنو کسپس: (نقاش یونان قرن پنجم ق.م) به تصویری که از یک ساحره پیر کشیده بود آتقدر خندید که یکی از رگ هایش پاره شد و مرد!

ژراردونال: (نویسنده فرانسوی ۱۸۵۵، ۱۸۰۸) با بند پیشبند، خود را از تیر چراغ برق خیابان حلق آویز کرد.

فرانسیس بیکن: (۱۶۲۶، ۱۵۶۱) بر اثر گرفتاری در یک سرمای ناگهانی گرفتار شد و در گذشت.

فالک فیتز وارن چهارم: (بارون انگلیسی ۱۲۳۰، ۱۲۶۴) در بازگشت از یک جنگل، اسبش در باتلاق افتاد و فالک که زره پوشیده بود، در درون زره اش خفه شد.

کلادیوس اول: (امپراتور روم ۵۴ ب.م. ۱۰۰ ق.م) با یک پر آغشته به سم خفه شد.



نامه ای از آخرت!!!

وزی مردی به سفر می‌رود و به محض ورود به اتاق هتل، متوجه می‌شود که هتل به کامپیوتر مجهز است. تصمیم می‌گیرد به همسر خود ایمیل بفرستد. نامه را مینویسد اما در تایپ آدرس دچار اشتباه می‌شود و بدون اینکه متوجه شود نامه را می‌فرستد. در این ضمن در گوشه ای دیگر از این کره خاکی، زنی که تازه از مراسم خاک سپاری همسرش به خانه بازگشته بود. با این فکر که شاید تسلیتی از دوستان یا آشنایان داشته باشد به سراغ کامپیوتر می‌رود تا ایمیل های خود را چک کند. اما پس از خواندن اولین نامه غش می‌کند و بر زمین می‌افتد.



پسر او با هول و هراس به سمت اتاق مادرش می‌رود و مادرش را نقش بر زمین می‌بیند و در همان حال چشمش به صفحه مانیتور می‌افتد!

گیرنده: همسر عزیزم!

موضوع: من رسیدم...

میدونم که از گرفتن این نامه حسابی غافلگیر شدم! راستش آنها اینجا کامپیوتر دارند و هر کس به اینجا میاد میتونه برای عزیزانش نامه بفرسته. من همین الان رسیدم و همه چیز را چک کردم. همه چیز برای ورود تو رو به راه! فردا می‌بینمت. امیدوارم سفر تو هم مثل سفر من بی خطر باشه. وای چقدر اینجا گرمه!!!

فخر نادرست به فردا

... شما که می‌گویید: امروز یا فردا به این شهر یا آن شهر خواهیم رفت و سالی را در آنجا به سر خواهیم برد و به تجارت خواهیم پرداخت و سود فراوان خواهیم کرد، خوب گوش فرادید: شما حتی نمی‌دانید فردا چه خواهد شد. زندگی شما چیست؟ همچون بخاری هستی که کوتاه زمانی ظاهر می‌شود و بعد ناپدید می‌گردد. پس باید چنین بگویید: اگر خداوند بخواهد، زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم. حال آنکه شما با تکبر فخر می‌کنید. هر فخری از اینگونه، بد است!

کتاب یعقوب ۴: ۱۳ الی ۱۶

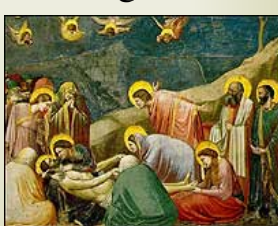
افتتاح نمایشگاه تازه ای از سیمای مسیح

سیمای مسیح در نقاشی مغرب زمین از دوران کهن تا عصر کنونی عنوان نمایشگاه تازه ایست در موزه والراف ریشترس شهر کلن (غرب آلمان).

ای این نمایشگاه بیش از ۹۰ تابلوی گرانبها از مجموعه های خصوصی، کلیساها و موزه های گوناگون گردآوری شده است. در زمانه ای که رسانه های همگانی به معنای امروزی وجود نداشت و بیشتر مردم بیسواد بودند،

کلیسای کاتولیک برای بشارت آیین خود از هنر بصری نقاشی تا حد ممکن بهره برد. حتی اولین رهروان مسیحیت در آیین های عبادی و مراسم دعا و نیایش، از شمایل مسیح استفاده می کردند. هنر نقاشی که به تبشیر و گسترش مسیحیت کمک کرد، به طور متقابل تکامل خود را تا حد زیادی مدیون حمایت کلیساها و اشراف مسیحی بود. نمایشگاه "سیمای مسیح" در کلن تنها برای مؤمنان مسیحی جالب نیست، بلکه فرصت مناسبی است برای ارزیابی سیر تکامل سیمای مسیح در هنر نقاشی غرب.

در اولین باسمه ها و شمایلهای مقدس آیین عیسی، مسیح تنها به گونه ای انتزاعی و نمادین به نمایش درمی آمد. سیمای "فرزند خدا" با خطوطی مختصر و نقش های ساده طرح گونه بازنمایی میشد.



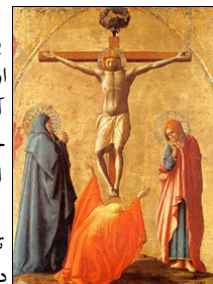
از اوایل قرن چهاردهم میلادی هنرمندان بزرگی مانند جوتو و ماساچو برای نخستین بار سیمای مسیح را بطور طبیعی و با ویژگی های انسانی ترسیم کردند.



از ترسیم سیمای مسیح غافل نبوده اند. گفته میشود که به خاطر حضور گسترده جوانان در این مراسم، استقبال از نمایشگاه بسیار بالا بوده است. این نمایشگاه تا دوم اکتبر امسال ادامه دارد.

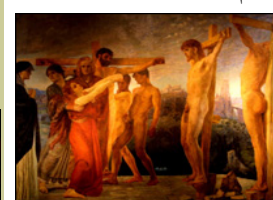
مسیح از مرگ تا رستاخیز: نگاهی به صلیب

صلیب نشان یا نماد اصلی مسیحیت است. ساده ترین شکل صلیب یک تیر چوبی عمودی است که بالای آن یک تیر کوچکتر افقی قرار گرفته است. در امپراتوری روم جرم های سنگین را با بستن یا میخکوب کردن گناهکار به صلیب مجازات میکردند. انجیل میگوید، عیسی نیز به دستور پیلطس فرماندار رومی اورشلیم به صلیب کشیده شد.



نخستین مسیحیان آلت صلیب را که پیشوای آنها بر آن جان داده بود، مقدس شمرند و در نیایش و مناسک خود گرامی داشتند. در سال ۳۱۲ که قیصر کنستانتین با پیروزی بر رقبای خود، مسیحیت را به کیش رسمی امپراتوری رم بدل کرد، راه برای تأسیس کلیسای کاتولیک هموار شد. از آن پس صلیب در روندی کمابیش پرشتاب، به صورت آرم یا علامت اصلی حاکمیت سیاسی نیز درآمد؛ و در برابر صلیب، که اینک تقدس یافته بود، به عنوان آلت مجازات (اعدام) منسوخ شد.

"عهد جدید" آخرین مرحله زندگی مسیح را با ذکر جزئیات روایت کرده است، که میتوان به سادگی آن را مرور کرد: پس از آنکه پیلطس دستور قتل عیسی را صادر کرد، سربازان به گرد او حلقه زدند و او را به باد کتک گرفتند. لباس او را در آوردند، شنی ارغوانی بر دوش او انداختند، تاجی از خار بر سرش گذاشتند و به تمسخر او پرداختند. با تازیانه تمام بدنش را در خون غرقه کردند و سپس او را واداشتند که صلیبی سنگین را به دوش بکشد و به بالای تپه جلعتا حمل کند که جایگاه اعدام تبهکاران



برده ای بلند از بالا تا پایین دریده شد. زمین لرزید، دیوار شهر فرو ریخت، صخره ها پایین افتادند. بسیاری از گورها شکافته شدند و مرده های خود را پس دادند. و مسیح جان بداد.

آیا میدانستید در جهان به ۶۰۰۰ زبان مختلف تکلم میشود.





P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

تفاوت بین خانها و آفایان

ستون پنده ۵۵



پذیرش اشتباه: زنان
بعضی اوقات قبول میکنند که اشتباه کردند. آخرین مردی که اشتباهش را پذیرفته ۲۵ قرن پیش از دنیا رفته است.

فرزند: یک زن همه چیز را در مورد فرزندش میداند؛ قرارهای دکتر، مسابقات فوتبال، دوستان نزدیک و صمیمی، غذاهای موردعلاقه، اسرار، آرزوها و رویاها. یک مرد به طور سربسته و مبهم فقط می داند برخی افراد کم سن و سال هم در خانه زندگی میکنند.

به نام عیسی، امته امید خواهند داشت. انجیل متی ۱۲: ۲۱

اگر نیاز دارید کسی برای شما دعا کند. اگر مایل هستید در جلسات خانگی در شهر وودلند هیلز شرکت نمایید. خواهشمندیم برای اطلاعات بیشتر با تلفن: ۸۶۰۲-۸۶۰۱ (۸۱۸) با آقای رسول حدیدی تماس خاص ننمایید.

www.VanguardPeaceMakers.org

پیام پاپ به مناسبت عید پاک

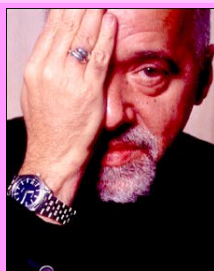


پاپ بندیکت شانزدهم، رهبر کاتولیکهای جهان در پیام خود به مناسبت عید پاک خواستار پایان بی عدالتی و فقر و خشونت در سراسر جهان شده است.

در جریان مراسمی که به طور زنده در ۵۷ کشور

جهان از تلویزیون پخش میشد، پاپ به خصوص خواستار پایان رنج و غدا مردم در دارفور، عراق، سومالی، لبنان و تبت شد. هزاران توریست و زائر برای شرکت در مراسم عشای ربانی عید پاک، در زیر باران در میدان سن پیترو جمع شده بودند. پاپ، شب گذشته مجلای علام، معاون مدیرمسئول کوریریه دلا سرا، یک روزنامه ایتالیایی را که از اسلام به مسیحیت گرویده، تعمیم داد. علام یکی از منتقدان صریح الهیجه جنبشهای مسلح اسلامگرا است. او میگوید داشتن چنین نقطه نظرانی سبب شده که جان او به خطر بیافتد و به همین جهت اکنون یک مأمور پلیس از او محافظت میکند. تعمیم مجلای علام را مقامات واتیکان تا قبل از برگزاری عشای ربانی، مخفی نگاه داشته بودند.

زمین فرو کردند. ناصری با تمام وزن بدنش از دو میخ، میان آسمان و زمین، آویزان شد. خون از دستها و پاهایش بیرون می جھید و بر روی بدنش سرازیر میشد. اما از ناصری نه ناله ای شنیده شد و نه فریادی؛ نه چیزی برای خنده دشمن، و نه چیزی برای تأسف دوست! دستها به دو طرف کشیده، وزن بدن سوی پایین افتاده، مجال تنفس نبود. در میان نفسهای سنگین، این کلمات از دهان ناصری شنیده شد: "ای پدر، اینها را بیاور زیرا نمیدانم چه میکنند!" آفتاب به میان آسمان رسید. ناصری در میان دو مجرم دیگر بر روی صلیب بود. ننگ برهنگی او در معرض تماشای مردم، انگار اشاره میکرد به رسوایی برهنگی انسان در مقابل خالق! اما گویی آسمان هم شرم داشت به این صحنه بنگرد. آفتاب روی در نقاب کشید. در اوج نیمروز، خورشید تاریک گشت. همه های در میان مردم برخاست. تاریکی مثل شب، همه جا را فرا گرفت. کاهنان با تجربه ای که داشتند، خوب میدانستند که این تاریکی در اثر آفتاب گرفتنی نیست. همه احساس میکردند که چیزی فوق طبیعی در حال وقوع است. بعضی که وجلانی حساس تر داشتند، ندامت را در عمق وجود خود احساس میکردند. بن هور دید که **بالتازار** از تخت بزر آمده، و چون زمان عبادت، به زانو در آمده بود؛ گویی آغاز پادشاهی ناصری را میدید. سیمونیدس در حالت ثبت بود؛ او هنوز ناصری را به چشم رهبر سیاسی مینگریست. **استر** از ترس می لرزید. در آن میان، چند انسان جسور به مقابل صلیب آمده، با تمسخر گفتند: "درود بر پادشاه یهود! هه هه! اگر واقعاً پادشاه و مسیح موعود هستی، خودت را نجات بده!" صدای خنده عده ای برخاست. یکی از آن دو مجرم هم که در دو طرف ناصری مصلوب شده بودند، فریاد زد: "راست میگوید، اگر واقعاً فرزند خدایی، خودت و ما را نجات بده!" اما مجرم دیگر، با ناله به آن یکی گفت: "تو از خدا نمترسی؟ من و تو به سزای اعمالمان رسیده ایم، اما این مرد هیچ کار بدی نکرده!" مردم با شنیدن این حرف، ساکت شدند! سپس دیدند که آن مجرم ناصری را خطاب کرد و گفت: "ای مولا، هرگاه به سلطنت خود رسیدی، مرا هم به یاد آور!" سیمونیدس که با تمام توجهش گوش میداد، بی اختیار تکرار میکرد: "هرگاه به سلطنت خود رسیدی..." بن هور بسوی او آمد تا چیزی بگوید، اما سیمونیدس او را به سکوت دعوت کرد تا پاسخ ناصری را بشنود. ناصری با رنج نفس نفس زنان به آن مجرم گفت: "براستی به تو میگویم که همین امروز همراه من در فردوس خواهی بود!" سیمونیدس با چشمانی گشوده و خیره، نگاه میکرد، انگار میکوشید هر کلمه ناصری را در وجود خود جذب کند. **استر** شنید که پدرش میگوید: "دیگر بس است! حالا دیگر بروشنی میبینم!" ادامه دارد...



برای آنکه به طریق خود ایمان داشته باشیم، لازم نیست ثابت کنیم که طریق دیگران نادرست است. کسی که چنین می پندارد، به گامهای خود نیز ایمان ندارد.
پائولو کونلیو



جماعت به تحریک رؤسای کاهنان، او را دشنام میدادند و مسخره میکردند. کمی دورتر، **استر** چند زن و یک مرد جوان را دید که ایستاده و گریه میکردند. بن هور جوان را شناخت. او یوحنا، شاگرد محبوب ناصری بود؛ یکی از آن زنان نیز مادرش بود. در آن میان، نگاه بن هور ناگهان به چند تن از یارانش افتاد که در میان جماعت حرکت میکردند. فوراً آنها را صدا زد و گفت: "شما در کنار من شمشیر کشیدید. چه شده که حالا مرا ترک کرده اید؟ بروید بقیه را جمع کنید. لحظه عمل فرا رسیده! باید اورا نجات دهیم." یکی از مردان جواب داد: "نه، او آن پادشاه نیست! او نمیتواند پادشاه باشد! قیافه او را نگاه کن! تنها کاری که از دستش بر نمی آید، کشتن انسان و خشونت است. او خیلی مهربانتر از آنست که بتواند رهبر سیاسی ما بشود! اگر تو حاضری رهبر ما بشوی، ما برای تو شمشیر خواهیم زد. ما به تپه جلبتا میرویم. در آنجا تورا خواهیم دید." بن هور مرد بود. آیا میبایست این پیشنهاد را بپذیرد؟ در درون او کشمکش برپا بود. صدای سیمونیدس او را به خود آورد: "همه رفتند. برویم!" تپه جلبتا، خارج از اورشلیم، محل اعدام بود. رومیها مجرمین سیاسی و شورشیان را در آنجا اعدام میکردند. روش اعدام هم صلیب بود، روشی دردناک با مرگی تدریجی. رؤسای کاهنان نمیخواستند خودشان ناصری را اعدام کنند، آنها ترجیح میدادند جرم او را سیاسی جلوه دهند و به دست رومیها او را از بین ببرند تا مردم ایشان را مسبب قتل این مرد بی گناه ندانند. جماعت دور آن تپه کوچک حلقه زده بودند. سربازان حصاری تشکیل داده بودند تا کسی نزدیک نیاید. بن هور و یارانش هم به تماشا ایستادند. همه چشمها به ناصری دوخته شده بود. بن هور در عمق وجودش تحولی حس میکرد؛ داشت به چیزی بهتر از زندگی دست می یافت؛ چیزی فراسوی آنچه که با حواس خود میشناخت؛ داشت کم کم گفته های **بالتازار** را درک میکرد؛ ناصری واقعاً پادشاه بود، اما پادشاهی از نوعی دیگر، پادشاهی از قلمرویی دیگر! ناصری در مقابل مرگ قرار داشت، اما گویی مرگ برای او نقطه پایان نبود! ناگهان گفته ای از ناصری به یادش آمد، جمله ای که در آن لحظاتی بزبان آورده بود که میرفت تا دوست مرده اش، ایلعازر را زنده کند. او گفته بود: "قیامت منم! زندگی منم!" صدای ناصری در گوش بن هور طنین می انداخت: "زندگی منم... من...!" بن هور داشت درک میکرد که اگر زندگی و قیامتی هست، همه در اوست! صدای ضربات چکش بن هور را به خود آورد. ناصری، برهنه، بر روی صلیب، روی زمین، قرار گرفته بود. یک ضربه... ضربه ای دیگر و ضرباتی بی در پی... دستهایی که جز برای شفا و نیکی به انسان بکار نرفته بود، و پایهایی که جز برای رهایی رنج دیدگان نشناخته بود، با میخها شکافته میشد. با فریاد خشن فرمانده، صلیب را برپا داشتند و آن را در سوراخ مخصوصش در



Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

خداوند! من اعتراف میکنم گناهکار هستم. ایمان دارم که عیسی مسیح بخاطر گناهان من بر روی صلیب، جان خود را فدا نمود و بوسیله رستائیز از مردگان و غلبه بر مرگ، مرا در حضور تو عادل ساخت. من اکنون او را بعنوان نجات دهنده در قلب خود میپذیرم. آمین



موفقیت در زندگی زناشویی



نویسنده: دیوید میس
مترجم: ط. میکائیلان
بخش ششم

ازدواج قدم بسیار مهم است که ما را به

مرحله کاملاً جدیدی از زندگی وارد میسازد ولی متأسفانه عده زیادی بدون اینکه در این مورد کمترین مطالعه‌ای انجام دهند ازدواج میکنند. آنها کتابهایی در مورد آشپزی یا طرز نگهداری اتومبیل یا باغبانی و نظایر آن میخوانند ولی هرگز توجه نمیکند که مطالعه در مورد ازدواج امری بسیار مهم است. خواندن این کتاب نشان میدهد که شما به اهمیت این موضوع توجه دارید. سعی کنید کتابهای دیگری را هم که در این مورد وجود دارند پیدا کنید و مطالعه نمایند. هر دو باید یکدیگر را خیلی خوب بشناسند. در فصل مربوط به انتخاب در مورد اهمیت شناختن یکدیگر تأکید به عمل آوردم. اکنون میخواهم درباره راه شناختن یکدیگر توضیح بیشتری بدهم. زن و شوهری برای من شرح دادند که در موقع نامزدی در این مورد چه روشی در پیش گرفتند. در طی ماههای تابستان هفته ای یک بعد از ظهر را به بالای تپه ای که دارای منظره ای زیبا بود میرفتند و در آنجا گذشته خود را به تفصیل برای یکدیگر شرح میدادند و از ذکر جزئیات خودداری نمیکردند. این کار را به قدری ادامه دادند که هر دو جزئیات زندگی طرف را کاملاً میدانستند. به نظر من این روش بسیار عاقلانه است. البته بعضی چیزها را نمیتوان به آسانی تعریف کرد. بهتر است در مواقعی که در مورد گفتن موضوعی تردید دارید قبلاً با شخص فهمیده و بی طرفی مشورت کنید. ممکن است عده ای صلاح ندانند که همه چیز را بگویند ولی تا جایی که ممکن است باید حقایق را بگوئیم. عشق و محبت واقعی بر اساس آگاهی کامل و درک کامل و پذیرش کامل یکدیگر قرار دارد. ادامه در شماره بعد...

فائق آمدن بر عصبانیت و پرخاشگری



ما در جهانی زندگی می کنیم که توسط قوانین طبیعی کنترل می شود. قوانینی که ما

نمی توانیم از آنها «عدول» کنیم. قوانین طبیعی نتایج طبیعی را می سنجند- پاداش و کیفر کارهایی که انجام میدهم. همچنین جامعه میتواند قوانینی ایجاد کند که پاداشها و کیفرهای فوق العاده داشته باشد. ولی غالباً چنین به نظر میرسد که گناهکار تنبیه نمیشود. چگونه می توانیم هنگامی که با چنین بی عدالتی هایی روبرو میشویم عصبانیت خود را کنترل کنیم؟

«عدالت روانشناختی» یا قوانین روانشناختی به اندازه تنبیه ها و کیفرهای طبیعی مؤثر هستند. افرادی که از دیگران سوء استفاده می کنند، توسط واکنشهای طبیعی مانند فقدان صمیمیت واقعی و عشق در زندگیشان کیفر داده می شوند. آنها توسط خود بر ترشان که «کار شیطانی» یا آسیبی را که آنها به مردم می رسانند، می بیند واز طریق همدردی طبیعی با دیگران باعث احساس گناه در افراد می شود تنبیه می شوند. آنها توسط عصبانیت و اعتقادات منفی خودشان که آنها را عذاب می دهد تنبیه می شوند. آنها آنقدر درگیر احساس عصبانیت خود می شوند که روی خوشحالی را نمی بینند.

برای مثال/ستالین و هیتلر مردانی بودند که بیش از دیگر افراد در تاریخ بشریت به دیگران آسیب رسانده اند. برخی گفته اند این مردان، نمونه یک نیروی شیطانی هستند. گویی آنها می خواهند ثابت کنند عدالتی وجود ندارد. هر چند هر دوی این افراد ثروت و قدرت زیادی داشته اند ولی زندگی توأم با عذابی دردناک بود. درک این موضوع که چقدر برای افراد شرور دشوار است که افراد خوشحالی باشند به من کمک می کند هنگام روبرو شدن با بی عدالتی کمتر دچار عصبانیت شوم.

ادامه در شماره بعد...

برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید

جسد اسقف اعظم کلدانی در شمال عراق پیدا شد



یک مقام نظامی مسئول در سردخانه عراق تأیید کرده است که جسد اسقف رحو در نزدیکی موصل و محلی که وی

ربوده شده بود، پیدا شده است. پاپ از این حادثه اظهار تأسف عمیق کرده است. نوری المالکی، نخست وزیر عراق، گفته است که این جنایتی است با هدف ایجاد سبزه بین اقوام مختلف مذهبی در عراق. کاخ سفید نیز این حادثه را عملی تروریستی خوانده است. در اواخر ماه فوریه مردان مسلح اسقف اعظم کلیسای کلدانی شهر موصل را ربودند. سه تن از دستیاران او نیز در این حادثه کشته شدند. به گفته کلیسای کلدانی موصل، اسقف اعظم فرج رحو هنگام ترک کلیسای در محله النور در شرق این شهر گروگان گرفته شد. بر اساس گزارش آژانس خبری کاتولیک، پیشتر ربانندگان به مقامات کلیسایی عراق گفتند که حال اسقف رحو خوب نیست. در تماسی دیگر در روز چهارشنبه (۱۲ مارس) گفتند که اسقف رحو، مرده است. مشخص نیست که آیا او کشته شده است و یا بدلائل طبیعی مرده است. تا کنون هیچ شخص یا گروهی مسئولیت مردن اسقف را برعهده نگرفته است. بیشتر از هفتصد هزار مسیحی که تخمین زده میشود ساکن عراق باشند، کلدانی اند. آنها کاتولیکهایی هستند که کلیسای مستقل از واتیکان دارند اما اقتدار پاپ را به رسمیت میشناسند. طی پنج سال گذشته چندین کشیش مسیحی نیز گروگان گرفته یا کشته شده اند. ■

ماهانامه تبديل با پخش در بسیاری از مناطق فارسی زبان در آمریکا

با درخواست اشتراک و آگهی کار و خدمات خود، ما را در حفظ ماهنامه تبديل یاری نمایید.

The Change Monthly Paper is Distributed to most of the Persian speaking community, and your monthly payment will help The Change paper to be more effective for the Persian speaking world.

Yes! I want to subscribe THE CHANGE \$30 for one year

Name _____
Address _____
City _____ State _____
Zip _____
Phone () _____

Please clip and return with payment to:

Iran for Christ ministries

P. O. Box 371043 Reseda, CA 91337 USA
Tabdil@iranforchrist.com

TEL: 818. 522. 1525
<http://www.iranforchrist.com/Tabdil.htm>



یک چیز عجیب عیسی مسیح شایستگی اسم «عجیب» را دارد، یعنی اسمی که فرنها پیش به وسیله پیامبر خدا به او داده شد. همه چیز او عجیب بود، لیکن شاید آنچه از همه عجیب تر باشد این است که مسیح حاضر است در دل‌های گناهکار ماساکن شود، زیرا می‌فرماید: من پشت در ایستاده در را می‌کوبم، اگر کسی صدامی را بشنود و در را باز کند وارد می‌شوم و با او شام خواهم خورد و او با من. (مکاشفه یوحنا فصل ۳ آیه ۲۰). دوست عزیز، این منجی عجیب امروز به در قلب تو آمده و اجازه ورود می‌خواهد. او جان خود را داد تا تو را از گناه نجات دهد و اکنون زنده است و می‌تواند به تو زندگی جدید بخشد. او تمام غمها و زحمات تو را می‌داند و مایل است تو را بکشد و شاد سازد.

تلویزیون ۲۴ ساعته محبت،
در خدمت جامعه فارسی زبان



شبکه محبت، تلویزیونی با برنامه های مناسب برای همه اعضای خانواده

شبکه محبت، اعلامگر انجیل عسای مسیح و محبت نجات بخش او برای تمامی مردم

تلوین یون ۲۴ ساعتهٔ محبت، شبکه‌ای است که در آن قادر خواهید بود،
 بر نامه‌های متنوع سازمانها و کلیساهای مسیحی را مشاهده کنید.

برنامه‌هایی که از طریق این شبکه ارائه میشوند عبارتند از؛

فیلم، موزیک ویدئو، برنامه کودکان، برنامه های آموزشی و بشارتی

خواهشمندیم برای مشاهده این برنامه ها از طریق اینترنت به این وب سایت

مراجعة فرمائید۔ <http://www.Mohabat.tv>

Email: info@Mohabat.tv

همچنین عزیزان شما نیز در داخل ایران و اروپا میتوانند این برنامه ها را از طریق ماهواره مشاهده فرمایند.

مشخصات ماهواره شبکه محت:

کمال: ۱۴ فرکانس ۱۱۴۷۰ عمودی سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ اف. ای. سی: ۵/۶
Hotbird 8 Channel: k14 Frequency: 11470 Vertical Symbol Rate: 27500 Fec: 5/6

Ambassadors of Christ Persian Church



English Service
Sundays: 1pm

Farsi Service
Sunday: 3:30pm

**21300 Califa St,
Woodland Hills. CA 91367**

TEL: 818.522.1525



گفت: لاف‌لاف به دیوانگی خود
اعتراف کن تا دیگران تکلیف
خود را با تو ببندند. جاهل در
جواب گفت: این کار صرف
نمی‌کند. قاضی پرسید: برای چه؟
جاهل جواب داد: هر کس به
دیوانگی خود اعتراف کند واقعاً
دبانه است.

تاریخچہ شیطان پرستی

عده ای شیطان پرستی را دینی مدرن و نهایتاً مربوط به قرن ۱۵-۱۶ میلادی میدانند.

شاید بتوان تاریخچه شیطان پرستی را به قرون اولیه پیدایش آدمی نسبت داد. البته شواهد به دست آمده این حرف را تصدیق نمیکند که شیطان پرستی در نواحی آمریکای لاتین؛ آمریکای جنوبی و آفریقای مرکزی به قرن ها قبل از میلاد مسیح برمیگردد و قبایلی که آثاری از آنها



باقی مانده است این احادیث را تصدیق میکنند. در اکتشافات به دست آمده در امریکای جنوبی یکی از قبایل این قاره که اعتقاد بسیاری به خوب و بد داشتند

شیطان را پرستش میکردند و حتی قربانیهایی را از انسان به شیطان هدیه میکردند که هنوز مکانهای انجام مراسم قربانی هنوز وجود دارد و اجساد مومیایی به دست آمده و نوع کشته شدن آنها نشانگر قربانی شدن این انسانها (که در آنها بیشتر زنان به چشم میخورند) است. در آفریقای مرکزی و در دشتها و کویرهای سوزان این قاره نیز در قبایلی که معروفترین آن قبیله اوکاچا (اگر درست گفته باشم) شیطان به عنوان قدرت مطلق زمین و آسمان و پدید آورنده آن و خدای خشم و نفرت پرستش میشد و حتی قربانیایی نیز در مواقع خاص به آن اهدا میشدند. از آنجایی که شیطان را پرستش میکردند و حتی قربانیهایی را از انسان به شیطان هدیه میکردند که هنوز مکانهای انجام مراسم قربانی هنوز وجود دارد و اجساد مومیایی به دست آمده و نوع کشته شدن آنها نشانگر قربانی شدن این انسانها (که در آنها بیشتر زنان به چشم میخورند) است. در آفریقای مرکزی و در دشتها و کویرهای سوزان این قاره نیز در قبایلی که معروفترین آن قبیله اوکاچا (اگر درست گفته باشم) شیطان به عنوان قدرت مطلق زمین و آسمان و پدید آورنده آن و خدای خشم و نفرت پرستش میشد و حتی قربانیایی نیز در مواقع خاص به آن اهدا میشدند.

انجیلی جمعی برنابا

اشتباهات و تناقضات در این کتاب:

حجی و هوش دو نبی متمایزند که وحی‌های ایشان به طور مجزا در دو کتاب عهدعتیق ثبت شده است. اما در این انجیل آمده که ماجرای آنان در کتاب دانیال ثبت شده است (برنابا، فصل ۱۸). اشتباهات او در خصوص مراجع کتاب مقدس در فصل‌های ۱۶۵ و ۱۶۹ نیز آشکار می‌شود که در آنها نقل قول‌ها را با یکدیگر اشتباه می‌گیرد.

نویسنده ادعا میکند که عیسی آن مسح موعود نیست؛ با اینحال، عنوان مسیحایی «پسر داود» را برای او به کار میبرد (برتابا، فصل های ۱۱، ۱۹، ۲۱ و غیره). در فصل ۱۹، برتری عیسی تعلیم داده شده، اما بعد در فصل های ۵۴ و ۵۵ این امر رد شده و گفته شده که در روز قیامت، محمد برتری خواهد داشت.

انجیل پر قابا با اسلام

قرآن از مسلمانان می‌خواهد که به کتابهای
که خدا به موسی و داود و عیسی و سایر
انبیا داده ایمان داشته باشند. طبق تعالیم
اسلامی، این کتابها به هیچ طریقی نباید
با یکدیگر تناقض داشته باشند. مسلمانان
بر این عقیده‌اند که علت تفاوت کتاب
مقدس با قرآن این است که کتابمقدس
تحریف شده است. بسیاری از مسلمانان
معتقدند که انجیل برنابا در تعلیمی که
دربارهٔ مصلوب شدن عیسی و سایر موارد
می‌دهد، با قرآن همخوان است. بنابراین،
ادعا می‌کنند که این انجیل باید یگانه
انجیل معتبر باشد، یعنی انجیل اصلی.

ادامه دارد....



شخصی پرسید: می توانی
بگویی زندگی آدمیان
مانند چیست؟ پاسخ شنید:
زندگی مردم مانند نردبان
دو طرفه است که از یک
طرفش سن آنها بالا می رود و از طرف
دیگر زندگی آنها بائن می آید.

ادامه دارد...



Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

آنچه را که می‌کارید، درو می‌کنید



اگر با سخاوت بدهید با فراوانی نیز درو خواهید کرد. عیسی فرمود: بدهید تا به شما داده شود زیرا پیمانۀ نیکویی افشرد و جنبانیده و لبریز شده را در دامن شما خواهند گذارد. زیرا که به همان پیمانۀ که می‌پیمایید برای شما پیموده خواهد شد.

(لوقا ۶: ۳۸) شما به خداوند چیزی را بازپرداخت نمی‌کنید بلکه بذریعۀ ایمان را می‌کارید. این بذریعۀ حیات می‌باید و بزرگتر از آن اندازه‌ای می‌شود که شما آن را کاشته بودید. شما بذریعۀ می‌کارید و خدا آنرا نمو می‌دهد. بیاد آورید آنچه که هستید و آنچه که دارا می‌باشید از خدا است. هنگامی که شما ده یک می‌دهید صرفاً آنچه را که در واقع متعلق به خداست به او باز می‌گردانید و او شما را بخاطر این امر برکت می‌دهد.



عقاب مرغ صفت

مردی تخم عقابی پیدا کرد و آن را در لانه مرغی گذاشت. عقاب با بقیه جوجه‌ها از تخم بیرون آمد و با آنها

بزرگ شد. در تمام زندگی‌اش او همان کارهایی را انجام داد که مرغها انجام می‌دادند. برای پیدا کردن کرمها و حشرات زمین را می‌کند و قدق می‌کرد و گاهی هم با دست و پا زدن بسیار کمی در هوا پرواز می‌کرد. سالها گذشت و عقاب پیر شد. روزی پرندۀ با عظمتی را بالای سرش بر فراز آسمان دید. او با شکه تمام و با حرکت ناچیز بالهای طلایی‌اش، برخلاف جریان شدید باد پرواز می‌کرد. عقاب پیر، بهت زده نگاه‌اش کرد و پرسید: این کیست؟ همسایه‌اش پاسخ داد: این عقاب است، سلطان پرندگان. او متعلق به آسمان است و ما زمینی هستیم. عقاب پیر داستان ما مثل مرغ زندگی کرد و مثل مرغ مرد، زیرا فکر می‌کرد مرغ است. درست است که مرغ بودن کار ساده‌ای است، اما تلاش کردن و تحمل سختی‌ها است که فطرت عقابی و آسمانی ما را زنده نگاه میدارد.

پیشگویی درباره عیلام (ایران فعلی)



و خداوند می‌گوید که بر ایشان بلا یعنی حذت خشم خویش را وارد خواهم آورد و شمشیر را در عقب ایشان خواهم فرستاد تا ایشان را بالکل هلاک سازم. لطفاً به فعل این جمله دقت کنید. فعل از زمان آینده خبر می‌دهد. "خواهم آورد"، "خواهم فرستاد" دقیقاً تاریخ این واقعه کی هست؟ نمی‌دانیم. اما میدانیم که این واقعه و این آیه از آینده‌ای تلخ و درد بار برای ملت ایران سخن می‌گوید. صدای مظلومان و ستم دیده گان ایرانی و فریاد گریه‌ها و دعاهاى آنان به گوش خدا رسیده است و خدای عادل قصد اجرای عدالت خود را دارد. و او این را با تمام حذت خشم خود انجام خواهد داد. خود آفریده و خود از بین می‌برد. همانطور که به نوح فرمود: "و خدا به نوح گفت انتهای تمامی بشر به حضورم رسیده است زیرا که زمین بسبب ایشان پر از ظلم شده است و اینکه من ایشان را با زمین هلاک خواهم ساخت." (پیدایش ۶: ۱۳) و خداوند می‌گوید من کرسی خود را در ایلام برپا خواهم نمود، مجدداً فعل از زمان آینده سخن می‌گوید. کلام می‌گوید که خداوند کرسی خود را در ایران برپا خواهد نمود. واقعه‌ای نوید و مؤذۀ والایی برای ملت و فرزندان مادر آینده‌ای که در پیش روست. "کرسی همان تخت پادشاهی است" تخت چیست؟ جای فرماندهی و ریاست. تخت جای پادشاه است. اما پادشاه کیست؟ خدا. روزی که خدا بر ایران حکومت می‌کند. اما خدا کیست؟ خدا را چه کسی دیده است؟ کلام می‌گوید: کسی هرگز خدا را ندیده اما آن فرزند یگانه‌ای که در ذات پدر و از همه به او نزدیکتر است او را شناسانیده است. در جایی دیگر می‌گوید: مسیح صورت و مظهر خدای نادیده است و از همه مخلوقات برتر است. این همان عیسی مسیحی است که جان‌ش را برای گناهان دنیا داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نکرده بلکه تا صاحب حیات جاودان گردد و این شامل ایرانی و ایران نیز می‌گردد. دقیقاً به همین دلیل حاضر شدن عیسی مسیح برای مرگ بر صلیب و اطاعت از طرح الهی خدا و تسلیم شدن به اراده او خداوند همه چیز را در اختیار او گذاشت: از این جهت خدا او را بسیار سرفراز نمود و نامی را که مافوق جمیع نامها است به او عطا فرمود تا اینکه همه موجودات در آسمان و روی زمین و زیر زمین با شنیدن نام عیسی به زانو در آیند و همه برای جلال خدای پدر با زبان خود اعتراف کنند که عیسی مسیح، خداوند است.



نگاهی اجمالی به منش، اندیشه و آثار "سلیمان پادشاه" و "صادق هدایت" تشابهات و تمایزات در کتاب جامعه سلیمان و بوف کور هدایت!

سپس در بطالت فرزاندگی و حکمت می‌گوید: من که جامعه هستم بر اسرائیل در اورشلیم پادشاه بودم و دل خود را بر آن نهادم که در هر چیز که در آسمان کرده می‌شود، با حکمت تفحص و تجسس نمایم. این مشقت سخت است که خدا به بنی آدم داده است که به آن زحمت بکشند! و تمامی کارهایی که در زیر آسمان کرده میشود دیدم که اینهمۀ آنها بطالت و در پی باد زحمت کشیدن است. کج را راست نتوان کرد و ناقص را بشمار نتوان آورد. در دل خود تفکر ننموده گفتم: اینکه من حکمت را بغایت افزودم، بیشتر از همگانی که قبل از من در اورشلیم بودند؛ و دل من حکمت و معرفت را بسیار دریافت نمود، و دل خود را بر دانستن حکمت و دانستن حماقت و جهالت مشغول ساختم پس فهمیدم که این نیز در پی باد زحمت کشیدن است. زیرا در کثرت حکمت کثرت غم است و هر کدام علم را بیفزاید، حزن را می‌افزاید! جامعه ۱۲: ۱۸. و اما از هدایت بشنویم او بر اساس شیوۀ تفکری که برشمرديم به خلق داستان معروف خود می‌پردازد و بر مبنای این طرز فکر است که طرح ایجاد "بوف کور" در اندیشه او جان می‌گیرد! او



این کتاب چکیده و عصارۀ اندیشه‌ی مردی است که با پشت پا زدن به ارزشهای روحانی... سرانجام به پوچی و از خود بیگانگی رسید...

او خود را در آغاز چنین معرفی می‌کند: که صورتش را نمی‌دیدم مرا میان مه و "حالا که تصمیم گرفته‌ام بنویسم فقط سایه‌های گذرنده‌ی می‌گرداند (صفحه ۲۹). برای این است که می‌خواهم خود را به در مقدمه و معرفی داستان، شراب و سایه‌ام معرفی کنم!" نویسنده در این زمان افیون برای تسکین و رفع اندوه و تسلی شخصیت‌های موهوم و سایه مانند خلق وارد صحنه می‌شوند. "درونگی زخمهائی میکند! او مجموعه‌ی عناصر انسانی را است که مثل خوره روح را آهسته در اشباحی می‌بیند که قصد از بین بردن انزوا می‌خورد و می‌تراشد، تنها داروی تجربیات لذت بخش او را دارند در آن فراموشی به توسط شراب و خواب "صفحه ۲۹" موضوع دگرگونی ذرات مصنوعی بوسیله افیون و مواد مخدر آدمی پس از مرگ بنمایش در می‌آیند: است! و اما به جامعه سلیمان برگردیم "در آن خانه‌ها و آبادیهای ویران که با در باب ۸ و آیات ۳-۹ چنین آمده: در خشتهای زرین ساخته شده بود، مردمانی تمامی اعمالی که زیر آفتاب کرده زندگی میکردند که حالا استخوان آنها میشود از همه بدترین این است که یک پوسیده شده و شاید ذرات قسمت‌های آدم از شرارت پر است و مادامی که زنده هستند، دیوانگی در دل ایشان است و بعد از آن به مردگان می‌پیوندند. زیرا برای آنکه با تمامی زندگان می‌پیوندند امید هست چونکه سگ زنده از شیر مرده بهتر است ز آنرو که زندگان میدانند که باید بمیرند اما مردگان هیچ نمیدانند و برای ایشان دیگر اجرت نیست چنانکه ذکر ایشان فراموش میشود. هم محبت و هم نفرت و جسد ایشان حال نابود شده است و دیگر تا به ابد برای ایشان می‌نویسد: "این فکر مرا می‌ترساند که از هر آنچه زیر آفتاب کرده میشود، نیست و نابود شوم و ذرات تنم در ذرات نصیبی نخواهد بود. پس رفته نان خود تن رجاله‌ها بروم" سرنوشت ناگزیر یا را بشادی بخور و شراب خود را به تقدیر محتوم شالوده کار هدایت در بوف کور است او به بی‌اختیاری و سلب اراده را قبل از این قبول فرموده است! لباس خود اشاره می‌کند "دستم بدون اراده تو همیشه سفید باشد و بر سر تو روغن این تصویر را می‌کشید." در عبارت کم نشود جمیع روزهای عمر باطل خود دیگری می‌گوید. "دختر رویائی او بدون را که او تو را در زیر آفتاب بدهد با اراده تصویر او را میکشد" صفحه ۱۲! زنی که دوست میداری در جمیع روزهای بطالت خود خوش بگذران از زندگی این گونه شرح میدهد: "گویا زیرا که از حیات خود و از زحمتی همه عمرم در یک تابوت سیاه خوابیده که در زیر آفتاب میکشی، نصیبت تو بودم و یک نفر پیر مرد قوزی که صورتش همین است! (جامعه ۳: ۸-۹). ادامه در صفحه ۱۱...



در قبیله چامبولی در گینه: زنان روشهای جالب و عجیبی را در زندگی بکار میبندند. زنان در این مکان بر مردان تسلط دارند. برای کار در مزارع صبح زیروان میآیند و مردان در خانه میمانند و به امور منزلت میروند و گیتار میزنند و خانه را با گلها و شکوفهها تزین میکنند تا زناشایان بعد از ظهر از مزرحه برگردند و عجیب اینکه این زنان نسبت به مردان بی اعتنائی نشان میدهند زیرا این مردان کاری جز دشمنی و پرچانگی ندارند و افرادی احساساتی هستند. **هند:** هر زنی در قبیله ناجای هند ناچار است تا زنگهایی کوچک به اطراف لباسش متصل کند تا در حین حرکت به صدا درآید و هرگاه بایستد از صدا باز ایستد و تنها دلیل آن آگاهی همسرانشان از زمان از کار باز ایستادن آنهاست تا آنها را مجازات کنند. سرخپوستان **آمریکا:** زنان سرخپوست در آمریکای جنوبی زمانیکه زنی نوزادی را به دنیا میآورد، در مدت نفاس در رختخواب نمیماند طبق عادت و رسوم تمام دنیا بلکه بالعکس این مرد است که بجای زن استراحت میکند و انگیزه این کار دور کردن ارواح خبیث از همسرانشان بوده است. ملت **باتاک:** در اعماق جزیره سوماترا زندگی میکنند و به نیرومندی مشهورند ولی این در مورد زناشایان صدق میکند نه مردان زیرا در اینجا مردان به تنهایی مشهورند و زنان انواع کارهای شاق و طاقت فرسا را انجام میدهند در حالیکه مردان نشسته و سیگار میکشند و در خمودگی به سرمیرند.

دینیز برای نجات خواهرش حاضر به دادن تمام ثروت خویش است و فیکرت که موقعیت را برای به دست آوردن پول و گذراندن چند روز در ناز و نعمت مناسب تشخیص داده بعد از پوشیدن لباس کشیش به همراه عاصیم به منزل آنها میروند.

قرا به مقدس نسخه کمیدی و ترکی فیلم **جن گیر** است که فقط و فقط با هدف رونق دادن به سینمای بومی در شرکتهای که **شافاک سزر** و دوستانش به راه انداخته اند، تولید شده است. سرمایه اصلی فیلم خود **شافاک سزر** است که از کمدین های محبوب و بسیار آشنای سینمای ترکیه به شمار میرود. تعداد فیلمهایی که وی بازی کرده، زیاد نیست. اما حضور مداومش در تلویزیون و مخصوصاً آگهی های کمیک شرکت فیکرت که زندگی خود را با کار روی **آرچلیک** از او چهره ای آشنا و مورد کشتیها و با فلسفه درهربندریک معشوق اطمینان در نزد تماشاگر ترک ساخته گذرانده، سرانجام تصمیم میگیرد تا است. البته **قرا به مقدس** مانند بسیاری زندگی ساکن و آرامی در استانبول دیگر از محصولات اخیر سینمای ترکیه برای خود دست و پا کند. او در روای از جلوه های ویژه کامپیوتری به حد ثروتمند شدن مرتباً روی اسب ها شرط وفور استفاده کرده و کوشش شده تا بندی میکند و یقین دارد روزی به روایتی سر راست و جذاب تحویل ثروتی بزرگ دست خواهد یافت. اما تماشاگر داده شود. یعنی سرگرم سازی هنوز توانسته از عادات زندگی پیشین صرف و کسب پول و رونق صنعت خود جدا شود و زندگی بی هدفی پیشه سینمای ملی! از کارگردان فیلم کامیل کند. فیکرت که بی جا و مکان است، از **آیدین هیچ** نمیدانیم. چون **قرا به مقدس** رفتن راهب **آرتین** به واتیکان سوء اولین فیلم اوست. اما همین اولین استفاده کرده و در کلیسای محل ساکن تجربه وی در برگرداندن فیلمنامه می شود و بلافاصله شروع به استفاده از **آحمت یلماز** کاریکاتورست به فیلمی امکانات کلیسا میکند. نهاد دوست و مرید موفق و پر فروش نشان می دهد که او جوانی ساده و بی غش به نام عاصیم درسش را خوب یاد گرفته است. است، که در کارواش نزدیک کلیسا کار نوشته شده که فیلم را با همکاری میکند. تا اینکه یک روز اتفاقی میافتد که یکدیگر کارگردانی کرده اند. همین زندگی هر دو را دگرگون میسازد. زنی تیراژ تنها نقطه ضعف فیلم است که به ثروتمند بنام دینیز که جسم خواهرش نظرمیرسدانگار از دل فیلمی تلویزیونی **سلن** توسط شیطان تسخیر شده، بعد از بیرون کشیده و به **قرا به مقدس** سنجاق رفتن به سراغ شیخها و دعانویسها قانع شده است! میشود که باید به سراغ کشیشی متخصص اگر **شافاک سزر** را هنوز نمی شناسید، در جن گیری برود. دست تصادف آنها **قرا به مقدس** بهترین فرصت برای را به کلیسایی راهنمایی می کند که آشنایی با این کمدین مشهور ترکیه فیکرت در آنجا زندگی می کند. است.



کارگردان: کامیل آیدین. **فیلمنامه:** آحمت یلماز. **موسیقی:** ارجان ساعات چی. **مدیر فیلمبرداری:** وارول شاهین. **تدوین:** مورات بور. **بازیگران:** شافاک سزر [فیکرت]، آرسین کورکوت [عاصیم]، بشرا پکین [آرتین]، ایشان نوزیم [دینیز]، پروان کارامان [آیداکول]، ستار تازی نوون [شیخ دعانویس]، اردال توسون [صاحب مغازه شرط بندی]، پلدیریم میمش اوغلو [کشیش آرتین]. ۱۰۵ دقیقه. محصول ۲۰۰۷ ترکیه.

بقیه از صفحه ۱۰... زیرا کیست که بداند چه چیز برای تو نیکوست در مدت ایام حیات باطل وی که آنها را مثل سایه صرف مینمایند؟ و کیست که انسان را از آنچه بعد از او زیر آفتاب واقع خواهد شد مخبر سازد؟ (جامعه ۶: ۱۲). لہذا من از حیات نفرت داشتم زیرا اعمالی که زیر آفتاب کرده میشود، در نظر من ناپسند آمد زیرا تماماً بطلالت و در پی باد زحمت کشیدن است، پس تمامی مشقت خود را که زیر آسمان کشیده بودم مکروه داشتم، از این جهت که باید آن را که بعد از من بیاید واگذارم! پس من برگشته، دل خویش را از تمامی مشقتی که زیر آفتاب کشیده بودم مأیوس ساختم! (جامعه ۲: ۱۷- ۱۸ و ۲۰). و اما ببینیم هدایت چه میگوید! او سگ زنده را بر شیر مرده برتری نمیدهد و مرجع نمیشمارد بلکه اصطلاح "رجاله" و "لکاته" را بکار می برد به اعتقاد او زندگی پر از رجاله و لکاته هاست! و در واقع اینها هستند که سرنوشت مردم را رقم میزنند! او نیز از زندگی نفرت دارد! او نیز قصد دارد تا نقش زن و شراب را در زندگی برجسته کند اما مأیوس است و مشکوک و بسیار بدبین! او زندگی را کاملاً سیاه و تیره می بیند و نقطه ای روشن فرا روی خود نمیابد! "صفحه ۴۴"

۱۵امه در شماره بعد...

۱ فوریه سال ۲۰۰۸ مسعود مهر داد

۱- "سلیمان" پسر داود و پادشاه اسرائیل (۱۰۰۰-۹۲۱ قبل از میلاد مسیح) سلیمان در سال ۹۷۰ به پادشاهی رسید و ۴۱ سال سلطنت کرد وضعیت تاهل: زن و فرزندان + حرمسرای سلطنتی و بنابر توصیه پدر و آرزوی قلبی او هیکل را بجای خیمه خداوند بنا نمود!

۲- "صادق هدایت": متولد ۲۸ بهمن ۱۲۸۱ اوقات ۱۹ فروردین ۱۳۳۰ هجری شمسی محل دفن گورستان "پرلاشر" فرانسه پاریس! آثار: بیش از ۱۰۰ کتاب و مقاله! شغل نویسنده وضعیت تاهل مجرد! پدر نویسنده کی ملر در ایران، معروفترین اثر شاهکار او "بوف کور" ۳

www.sadeghdayat.com

طریق پابهایی خود را هموار بساز، تا همه طریقهایی تو مستقیم باشد. به طرف راست و چپ منحرف مشو، و پای خود را از بدی نگاه دار.

امثال سلیمان ۴: ۲۶ و ۲۷

از شما دعوت میکنیم تا از وبسایتهای مادین فرمائید

www.IRANforChrist.com
www.SimaMasih.com
www.TabdilMagazine.blogfa.com



Ingredients: (4 servings)

- Ground lamb or beef, 1/2 Pound
- Black-eye beans, 10 OZ
- Split peas, 5 OZ
- Lentils, 5 OZ
- Fresh spinach, 10 OZ
- Small onions, 2
- Mint, 5 OZ
- Kashk (thick or dried whey), 1-2 Cups (purchase at an Iranian store)
- Cooking oil
- Salt & Black pepper

Directions:

Wash black-eye beans, split - peas, and lentils, and soak in warm water for about 2 hours. Add salt and cook over medium heat for 15-20 minutes. About one cup of water should be left. Peel and grate onions. Add to ground meat with salt and black pepper, and mix well. Shape the mix into small balls. Fry balls in cooking oil over medium heat until color changes. Wash spinach and chop finely. Add to black-eye beans, split-peas, lentils, and meat balls, and cook over low heat for about 15 minutes until there is no water left. Wash mint and chop finely. Fry in oil for a few minutes. Add kashk and mint on top of Ghalieh-Esfanaaj.

آفرینش روز و شب،
زیبایی زمین و کهنشاهان،
درخشش ستارگان فروزان،
همه حاکی از وجود
پروردگار یکتاست،
پس از او اطاعت می کنیم،
چون او معین کرده که
مرگ آغاز جاودانه هاست.

THE Change

Magazine

BREAKING NEWS

TRIAL OF FAITH IN 2008 THE COMMUNIST WORLD

Communist regimes continue to persecute Christians in China, Cuba, North Korea, Laos and Vietnam, where they have pursued systematic programs to weaken and destroy the church. And persecution is growing in China. 'Persecution has increased in 2007, and will continue into 2008. 'Christian groups are meeting in smaller numbers, and changing the meeting place each week. People are very nervous. 'With support from Release International, CCSM is hoping to print and distribute one and half million Bibles and Christian teaching books in China in 2008. CCSM asks for prayer 'for the safety of the believers in China, that they will remain strong in their faith'. But what is widely regarded as the severest oppression of Christians in the world takes place in North Korea. 'Imprisonment, torture and even summary execution continue to be a fact of life for secret Christians in North Korea. 'Pressures include an absolute ban on owning a Bible, assembling to pray or to read the Scriptures, and evangelism-even of one's own children. 'Being discovered as a member of the underground church inside North Korea can result in one's entire family being sent to a prison camp, and even torture and summary execution in extreme cases.' Seong Min Kim, a North Korean who managed to escape from his country said: Although the government tries to silence North Korean Christians by calling them spies, the praise and prayer of our brothers and sisters cannot be silenced, even in a political concentration camp or a prison.' Tim Peters asks for prayer: 'That we can continue to assist a growing number of North Korean refugees in China, despite the harsh crackdown by Chinese in preparation for staging the 2008 Beijing Olympics.



SIN AND SALVATION

There is one Designer, Engineer and Creator of the universe and all it contains, including you and me.

He created us to love us. Unfortunately, we have not loved Him in return. In fact, you and I have not only failed to acknowledge Him as our Maker and Father, we have actively rebelled against Him. Through many immoral and amoral acts, thoughts and attitudes, we continue to grieve the One Who cares for us most. There is a word for this rebellion. The word has been misused so often, its meaning has been perverted, sometimes even to mean something good. But rebellion against our Creator is anything but good. It is what has traditionally been called "sin," and it has caused a split between us and the One Who designed us and loves us.

Because He loves us, He cannot stand to allow this split to remain. Unlike human love, his love is perfect. But unlike human justice, His justice is also perfect. And a perfectly just God cannot allow sin to go unpunished without ceasing to

be perfectly just. Perfection is His nature and He simply cannot go against His nature without ceasing to be God. So he cannot allow us do whatever we want and just say, "Oh I can let this one slide." The guilty being allowed to carry on doing evil is not justice. But because of His perfect love, He cannot stand to be apart from us either. Now He has a dilemma. (That is, for you and I it would be a dilemma. But God knows exactly what He's going to do). Perfect justice demands a penalty but perfect love demands reconciliation. So He decided to pay the price Himself. He came to Earth in the form of a Man. He came fully man - able to feel pain, hunger and all we feel, even experience death - and yet fully God, for only God would not have His own debt to pay. And He willingly went to the cross, allowing Himself to be executed to pay the price for our sin. The Man is Jesus Christ. He gave His life for our sakes and rose from the dead to prove His Godhood and show how we too can be raised to eternal life. Now, all who will accept His sacrifice can actually enjoy a relationship with Him here and now, as well as enjoy eternal life with Him in Heaven.

As one time-honored document

puts it, "The chief end of man is to glorify God and enjoy Him forever."

The bible, has always been presented as a series of facts, not merely as a philosophy of life. The fact that there is one God, Creator of the universe, Who has always existed in three Persons; the Father, Son and Holy Spirit. The fact that mankind was separated from God by sin... Jesus' birth, life on Earth, death, and resurrection and the fact that this was God's plan to close that separation; the fact that faith in Jesus Christ alone is what is needed to heal the separation for each individual.

No amount of good deeds will suffice, it is the faith that saves you from eternal separation with your Maker. Good deeds are a result of your faith in Christ, not the condition for entrance to Heaven. Then there is the fact that Jesus promised another Counselor, the Holy Spirit, to live in the hearts of all who seek a relationship with Him. All these are facts, but they have no relevance to us unless we embrace them through faith by beginning a relationship with the One who paid your ransom for you...

kids only

Zacchaeus was a tax collector. He cheated the people. He would collect the taxes for the Romans. He would charge the people extra taxes. He would keep the rest. Nobody liked Zacchaeus. One day, Zacchaeus heard people shouting in the streets, "Jesus is here!" Zacchaeus wanted to see Jesus. He was too short. He climbed a huge sycamore tree. He would be able to see Jesus now. When Jesus got under the tree, he said, "Zacchaeus, come down here. I want to go to your house for dinner tonight." Zacchaeus was so happy that Jesus wanted to come to his house. He jumped down from the tree. The crowd was shocked! They couldn't believe that Jesus would go to this man's house! "You can't," they said, "he's a tax collector!" He looked at Jesus and said, "I am so sorry for what I have done. From now on, I will give half my possessions to the poor. If I cheat anyone ever again, I will pay back four times what I took." Jesus smiled. He knew he meant it. Jesus said, "That pleases God. That is the very reason I am here. To help people find God."

The Change Magazine

Tabdil@iranforchrist.com
www.Tabdilmagazine.blogfa.com
www.IRANforChrist.com

TEL: 818. 522. 1525

P. O. Box 371043
Reseda, CA 91337 USA